



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۸	تاریخ	۱۴۰۱/۰۷/۱۹
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	ظنون خاصه				
عنوان ۳	سیره				
عنوان ۴	تبیین الفاظ بحث				
عنوان ۵	سیره متشرعه				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور درس گذشته

بحث ما در سیره عقلاء بود و گفتیم سه نوع از سیره در معرض حجیت قرار دارد؛ یک نوع سیره عقلاء در همه زمان‌ها و مکان‌هاست؛ نوع دوم سیره عقلای متأدب به آداب انبیای الهی و نوع سوم سیره عقلاء بما هم عقلاء است. برخی نیز نوع چهارمی برای سیره بیان کرده‌اند که سیره عقلای عصر حاضر یا عصر مستنبط (مجتهدی که در صدد استنباط حکم قرار می‌گیرد) است. در بحث حجیت سیره، به انواع سیره نیز خواهیم پرداخت؛ اکنون در تبیین الفاظ بحث هستیم.

سیره متشرعه

سیره متشرعه، سیره‌ای است که اهل تشیع به دین، از آن نظر که متشرع به دین هستند، به این سیره پایبند هستند و نشأت این سیره از تعالیم دین است و برخواسته از ادراکات عقلاییه نسبت به مصالح و مفاسد یا از تمایلات و هواهای نفسانی یا از آداب قومی خاص آنها نیست.

سه نوع سیره متشرعه می‌تواند وجود داشته باشد:

نوع اول: سیره متشرعه به ادیان الهی به طور کل و یا لاقل به ادیان ابراهیمی. می‌توان بسیاری از مقوله‌ها را از این نوع سیره تلقی نمود؛ مانند اجتناب از زنا، دروغ، افترا، غصب و قبیح دانستن چنین مقولاتی و نیز حسن مبارزه با ستم‌گران و عدالت‌خواهی و حمایت از مظلوم، صیانت از خانواده و روابط خانوادگی.

حسن عدل و قبح ظلم، حکم عقل است؛ اما اینکه سیره مردم بر این مبتنی شود که عدالت خواه باشند و برای اجرای عدل تلاش کنند حرف دیگری است. می‌توان گفت که این امور گرچه سیره است؛ اما نشأت گرفته از حکم عقلی به حسن عدل و قبح ظلم است و می‌توان گفت که حکم عقل به حسن عدل و قبح ظلم، اعم از این است که کسی در عمل از مظلوم حمایت کند؛ این را انبیاء علیهم‌السلام را مردم آموختند. اگر تعالیم انبیاء علیهم‌السلام نبود، مردم به پذیرش ظلم عادت می‌کردند و قیام بر

علیه ظالم در بین جوامع به یک امر غیر متعارف تبدیل می شد. چه کسی حاضر است جان خود را در دست بگیرد که بر علیه ظالم قیام کند؟ مردم تسلیم ظالم می شدند؛ ظالم سرمایه و قدرت دارد؛ آیه کریمه درباره قوم فرمون چنین می فرماید:

﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاَطَاعُوهُ﴾^۱؛

و قومش را ذلیل و زیون داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند.

امروزه آمریکا در حال حکومت بر دنیا است. مسأله قیام بر علیه آمریکا، کاری است که ما بر اساس تعالیم دین انجام می دهیم و الا عامه عقلاء چنین کاری نمی کنند. برخی علمای بی عقل می گفتند چرا شما سر به سر آمریکا گذاشتید؟ کسانی که در حوزه علمیه هستند ولی متأدب به آداب اسلامی نیستند نیز می گویند با آمریکا باید ساخت. اگر این تعالیم دینی و مخصوصاً قیام سیدالشهدا علیه السلام نبود، عقلاء چنین کاری نمی کردند.

کار عظیمی که سیدالشهدا علیه السلام انجام دادند که به علت اینکه شایع و معمولی شده، اهمیت آن برای برخی روشن نیست، همین مسأله است. قیام ایشان، سدّ هیبت ظالمان و مستکبران را شکست. شکستن این هیبت و این سیره را در بین مردم به عنوان سیره خوب جا انداختن، کار کمی نیست. این یک سیره است و غیر از مسأله قبح ظلم است.

در تاریخ ببینید چه کسی در برابر ظالمان غیر از انبیاء علیهم السلام و اتباع ایشان قد علم کردند و ظلم ظالمان را به جان خریده است؟ بنابراین این سیره، سیره عقلاء بما هم عقلاء نیست. عقلاء بما هم عقلاء می گویند همراهی با ظالم بهتر است از اینکه در سختی بیافتی و تحریم اقتصادی و جنگ را بخواهی تحمل کنی. حمایت از مظلوم یک جری خلاف جریان در جامعه عقلایی است. این مقدار از تحملی که در برخی از ملت ها وجود دارد، ریشه دینی و تربیت و تأدیبات انبیائی است. انبیاء علیهم السلام این مقوله ها را به مقوله های ریشه دار در جامعه بشر تبدیل کردند.

منطق سخن گفتن فرعون با قومش را ببیند؛ منطقی که مقبول قومش نیز واقع می شد. می گفت:

﴿أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ * فَلَوْلَا أَلْقَى عَلَيْهِ أَسُورَةٌ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ﴾^۲؛

مگر نه این است که من از این مردی که از خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی تواند فصیح سخن بگوید برترم؟ * (اگر راست می گوید) چرا دستبندهای طلا به او داده نشده؟!

به تعبیر ما فرعون می گفت من برای حکومت بر شما بهترم یا این مرد یک لا قبایی که چیزی از خود ندارد؟ مردم هم فرعون که ثروت و قدرت داشت را ترجیح می دادند.

اگر امام حسین علیه السلام، یزید و بنی امیه را به حال خودش واگذار می کرد، طوری می شد که اساساً ظلم و کشتن برای سلطه، به یک ارزش مثبت عقلایی تبدیل می شد. ما در زمان خودمان، صدام را در عراق دیدیم. شما به عراق امروز نگاه نکنید؛ عراق زمان صدام به گونه ای شد که مردم عادی می گفتند همین کاری که صدام انجام می دهد خوب است و باید همین کار را انجام دهد. الآن نیز در عراق برخی هستند که چنین تفکری دارند.

قرآن کریم نقل می کند که وقتی مردم ثروت قارون را دیدند که ﴿فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ﴾^۳، چنین گفتند:

۱. سوره زخرف: ۵۴.

۲. همان: ۵۲ و ۵۳.

۳. (روزی قارون) با تمام زینت خود در برابر قومش ظاهر شد. سوره قصص: ۷۹.

«قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ»^۱

گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما نیز داشتیم! به راستی که او بهره عظیمی دارد!»

ثروت و قدرت، مردم را به سمت مراکز قدرت و ثروت می کشاند.

انبیاء علیهم السلام بسیار در جامعه بشر نقش داشته اند. یکی از کاراهایی که ما طلبه ها باید انجام دهیم همین است که به دنیا بگوییم که اگر در میان شما ارزش های مثبتی زنده مانده است؛ تلاش و زحمات انبیاء علیهم السلام است. این جنایتی که امروز تمدن غرب در حال ارتکاب آن است؛ اینکه می خواهد همجنس گرایی را تبدیل به ارزش کند؛ اینکه می خواهد حمایت از مظلوم و نبرد با ظالم را تبدیل به ضد ارزش کند، در حقیقت نبرد با تمام انبیای تاریخ بشر است. انبیاء علیهم السلام زحمت فراوان کشیدند تا این ارزش ها را در جامعه بشر نهادینه کردند. مسأله عفاف زن، زحمتی است که انبیاء علیهم السلام در طول صدها بلکه هزاران سال انجام دادند تا عفاف را به طور کل - برای زن و مرد - نهادینه کردند. نهادینه کردن بسیاری از ارزش ها، کار انبیاست؛ نه کار حاکمان و تمدن هایی که تحت آنها شکل گرفته است.

نوع دوم: سیره متشرعه مسلمین از مذاهب مختلف اسلامی است؛ مانند عدم پذیرش سلطه کفار بر سرنوشت مسلمین که یک سیره متشرعه ای است که بین تمام مسلمین رایج و مورد قبول است؛ عدم جواز ذلت پذیری؛ ضرورت عزت جامعه اسلامی؛ حسن توکل و مضمومیت توکل؛ حسن زهد و مضموم بودن حب دنیا؛ حسن وحدت جامعه اسلامی؛ اینها آداب اسلامی است که ممکن است کم و بیش در شرایع دیگر نیز باشد؛ اما اینها بیشتر در جامعه اسلامی است که وجود دارد.

نوع سوم: سیره خصوص اتباع اهل بیت علیهم السلام است؛ مانند زیارت ائمه هدی علیهم السلام و رسول الله صلی الله علیه و آله؛ حزین بودن در احزان ائمه علیهم السلام و شادی در شادی آنها؛ عزاداری در ایام مصیبت ائمه علیهم السلام؛ ترک صلاة تراویح و به طور کلی ترک جماعت در نوافل؛ عمل به متعینین؛ پرداخت خمس به صاحبان خمس؛ جمع بین صلاتین ظهر و عصر و مغرب و عشاء؛ ترک تأمین (آمین گفتن بعد از حمد)؛ بطلاق طلاق های سه گانه در مجلس واحد؛ التزام به قرائت سوره کامل بعد از سوره حمد در دو رکعت ابتدایی نماز.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین